

سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

کوه عزت الله عزتی^۱

کوه احمد کاویانی^۲

چکیده □

مهمترین قسمت از سیاست خارجی پاکستان بخش شبه قاره ای آن است، زیرا کشور بزرگ هندوستان که امروزه با سرعت زیادی در حال تبدیل شدن به قدرت اقتصادی و سیاسی منطقه ای و جهانی است هنوز با پاکستان در تضاد اصلی می باشد و این دو کشور یکدیگر را بزرگترین تهدید خود می دانند و موضوع حل نشده کشمیر منبع فعال مشاجره بین دو کشور است که هراز چندی منازعه ای را رقم می زند، این احساس تهدید نظامی گری و رقابت تسلیحاتی را در منطقه تا حد هسته ای شدن دو کشور پیش برده است. پاکستان به افغانستان نیز با چشم شبه قاره می نگرد و آنجا را منطقه ای امن و یا حیاط خلوت خود می خواهد. این رویکرد سیاسی با تغییر اوضاع ژئوپولیتیک منطقه که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خروج شوروی از افغانستان و پایان جنگ سرد به وجود آمد شکلی به خود گرفت که در مقابل بعضی منافع و امنیت ملی ایران قرار گرفت. و پس از حضور مستقیم آمریکا در افغانستان نیز به شکل دیگری ادامه یافت. در این تحقیق نحوه ای اثر گذاری سیاست منطقه ای پاکستان بر ابعاد مختلف امنیت ملی ایران با نگاه ژئوپولیتیکی و ژئوکالچر و ژئواکونومی بررسی شده و پیشنهاداتی برای حفاظت از منافع ملی و امنیت ملی ایران ارائه شده است.

واژه های کلیدی □

سیاست منطقه ای - شبه قاره - امنیت ملی - ژئوپولیتیک

۱- دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

۲- دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

□ مقدمه

پایدارترین عنصر در امنیت ملی ایران در قرون و اعصار گذشته، جغرافیای خاص این مرز و بوم بوده است که از یک سو ایران را مرکز توجه پیرامونی خود قرار داده و از سوی دیگر عملاً از نظر جغرافیایی به هیچ یک از محیط های پیرامونی خود تعلق کامل ندارد. به همین جهت محیط امنیت خارجی ایران صرفاً شکل گرفته از مناسبات دو جانبه نیست بلکه ارتباط تنگاتنگی با محیط مناطق همجوار و محیط بین المللی دارد و تحولات محیط منطقه ای و بین المللی تاثیرات عمده ای بر محیط امنیت خارجی ایران گذاشته و می گذارد و اغراق نیست اگر گفته شود که محیط امنیت خارجی ایران از بین المللی ترین محیط های امنیتی است. (سجاد پور، ۱۳۷۹: ۷) در این تحقیق به یکی از محیط های امنیتی درجه یک پیرامونی ایران یعنی کشور پاکستان پرداخته و با رویکردی ژئوپولیتیکی، سیاست منطقه ای آن کشور در منطقه شبه قاره مورد بررسی قرار می گیرد تا تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شناسایی شود.

□ سؤال اصلی تحقیق

نگاه خارجی پاکستان و علائق و روش های سیاسی و منافع ملی مورد انتظار آن کشور در حوزه شبه قاره هند چیست و تغییرات آن چه اثری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می گذارد.

هدف اصلی تحقیق (هدف کلی): به دست آوردن نتایج سیاست های منطقه ای پاکستان در شبه قاره هند که خود را به صورت فرصت ها و فشارها و تهدیدات آشکار ساخته و بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اثر می گذارد.

سایر اهداف تحقیق (اهداف جزئی)

- ۱- تحلیل ژئوپولیتیک پاکستان برای شناخت مهمترین پارامتر های اثر گذار بر سیاست خارجی پاکستان در شبه قاره.
- ۲- شناخت ریشه های اختلاف پاکستان با هند و نحوه اثر گذاری این اختلافات در صورت بندی سیاست خارجی پاکستان.
- ۳- بررسی آثار حضور آمریکا در منطقه بر شکل بندی سیاست خارجی پاکستان در منطقه شبه قاره.

برای پاسخ به سؤال تحقیق و رسیدن به اهداف آن ضمن بررسی اطلاعات و داده‌های ذیربط سه فرضیه زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

فرضیه یکم و اصلی: سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره اثر مستقیمی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.

فرضیه دوم: اختلافات سیاسی هند و پاکستان و در نتیجه اوج گیری رقابت تسلیحاتی بین دو کشور به ضرر امنیت نظامی جمهوری اسلامی و ایران است.

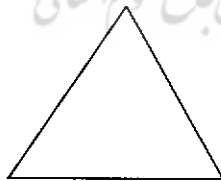
فرضیه سوم: اگر ایران نتواند به سیاست منطقه ای هماهنگ در رابطه با افغانستان دست پیدا کند روابط دوستانه ایران و پاکستان دچار آسیب خواهد شد.

نوع تحقیق کاربردی است و به روش موردی و زمینه ای انجام شده است. منطقه مورد بررسی، شبه قاره هند و به خصوص کشورهای پاکستان، هند و بنگلادش، است لکن به دلیل پیوستگی سیاسی و امنیتی و اجتماعی افغانستان به آن حوزه، مسائل این کشور و همچنین تبعات حضور آمریکا در منطقه نیز در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

روش گردآوری اطلاعات عمدتاً کتابخانه ای است و با استفاده از مدارک موجود و آشکار و همچنین بررسی سخنرانی های رسمی، مصاحبه ها و مطالعه و بررسی رفتار بازیگران منطقه صورت گرفته است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: با استفاده از مدل سه وجهی زیر انجام شده است. (سریع القلم، ۱۳۸۱: ۱۲۶)

تفکر و تراکم فکری



مفاهیم و نظریه های

سابقه رفتاری و

تاریخی موضوع

روش تحلیل فلسفی است که عمدتاً از روش استقرا استفاده شده و در بخش آخر از قیاس بهره برداری شده است. البته با در نظر داشتن این که معرفت علمی، معرفتی است که در آن

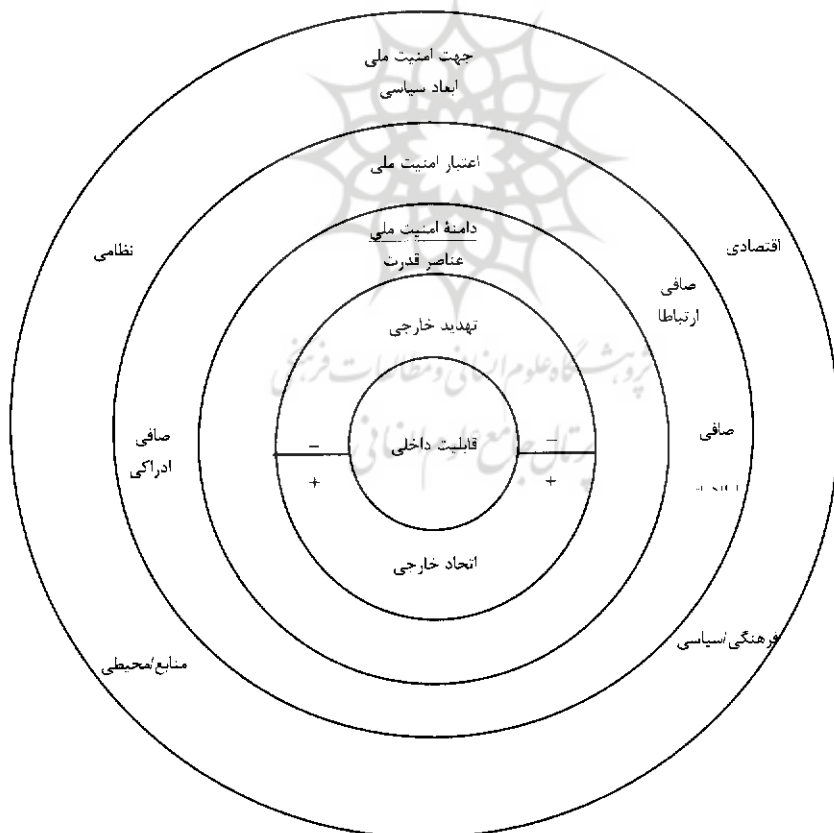
استقراء تام وجود ندارد، لذا نتایج آن نسبی است و این موضوع در حوزه علوم سیاسی مهمتر است.

□ ادبیات مبانی نظری تحقیق

مبانی نظری مورد استفاده در این تحقیق شامل سه موضوع اصلی زیر است.

« امنیت ملی»، « ژئوپولیتیک»، « همگرایی و واگرایی»

در میان نظریات بسیار متنوع بحث امنیت ملی با توجه به ماهیت چند وجهی این مفهوم، شناخت و ترکیب عناصر تشکیل دهنده آن ضروری به نظر می رسد، لذا مدل رابرت ماندل به عنوان مدل تحلیلی امنیت ملی انتخاب شده است. ارتباط بین اجزاء این مدل در شکل زیر نشان داده شده است. (مازل، ۱۳۷۷: ۵۹)



مهمترین بخش سازنده عناصر امنیت ملی که لایه محیطی این مدل را تشکیل داده است به صورت مستقیم و مفصل مورد بررسی قرار گرفته و آثار صافی های اطلاعاتی، ارتباطاتی و ادراکی و تهدیدها و اتحادها که نهایتاً خود را در قابلیت های داخلی نشان می دهند در نتایج فصل چهارم نشان داده شده است.

برجستگی عنصر جغرافیا در شکل دهی سیاست های داخلی و خارجی ایران، رویکرد تحلیلی این تحقیق را به سوی ژئوپولیتیک رهنمون کرده است. ژئوپولیتیک عبارتست از درک واقعیت های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد. به عبارت دیگر ژئوپولیتیک عبارتست از علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تاثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملل. (عزتی، ۱۳۸۰: ۷)

از طرفی اهمیت عوامل اقتصادی و فرهنگی بر شکل دهی سیاست های ملی و منطقه ای و جهانی، استفاده از مباحث نظری ژئواکونومی و ژئوکالچر را نیز ایجاب می نماید. با نگاه سیستمی به روابط بین الملل، سیستم های همگرا، قابلیت تعامل مثبت و همکاری برای نیل به وحدت دارند و سیستم های واگرا دارای عوامل بازدارنده و منفی و در جهت ایجاد تفرقه و پراکندگی ملت ها هستند، بنابراین با استفاده از نظریات همگرایی و واگرایی اثرگذاری متغیرها مورد بررسی قرار گرفته اند. (کاظمی، ۱۳۷۰: ۶۵)

زمینه های خارجی شکل گیری سیاست منطقه ای پاکستان

شبه قاره شامل هفت کشور است. هند، پاکستان، بنگلادش، بوتان، نپال، سری لانکا و مالدیو که در جنوب آسیا واقع شده اند از آنجا که در جنوب و جنوب غربی آسیا دو منطقه متشنج وجود دارند که مسائل آنها بر امنیت ملی ایران اثر گذار است یعنی، کشمکش هند و پاکستان و مسائل افغانستان و بقیه مسائل منطقه حتی روابط بین پاکستان و بنگلادش تاثیر محسوسی بر امنیت ملی ایران ندارد و لذا سیاست خارجی پاکستان در این دو حوزه مورد بررسی قرار می گیرد و از بقیه صرف نظر می شود.

هندوستان

هند اصلی ترین کشور شبه قاره است و سیاست خارجی پاکستان در شبه قاره عملاً حول محور روابط با هندوستان شکل می گیرد. جمعیت آن کشور حدود ۱/۲ میلیارد نفر است و پیش بینی می شود به زودی پر جمعیت ترین کشور دنیا شود (دهمشگی، ۱۳۸۱: ۲۱۱) تنوع

جمعیتی و زبانی و دینی، شکاف های طبقاتی، رشد جمعیت بالا، فقر گسترده و در عین حال رشد اقتصادی سریع و گسترش طبقه متوسط و مرفه، رشد صنعت، قوی شدن بنیه نظامی، ایفای نقش اول منطقه ای در جنوب و جنوب غربی آسیا و تلاش برای تبدیل شدن به قدرت جهانی و ... از مشخصه های بارز این کشور است.

در این تحقیق همه ابعاد، اقتصادی، سیاسی و نظامی و فرهنگی آن کشور در رابطه با پاکستان مورد بررسی قرار گرفته و عوامل اثر گذار آنها بر شکل گیری سیاست منطقه ای پاکستان مورد شناسایی قرار می گیرد.

بُعد اقتصادی

کشور هندوستان که تا دهه قبل جزو کشورهای فقیر محسوب می شد و فقر عمومی و درآمد سرانه پائین یکی از مشخصه های اولیه آن کشور به حساب می آمد در پرتو برنامه ریزی توسعه اقتصادی، رشدی حدود ۸/۵ الی ۹ درصد دارد به طوری که پیش بینی می شود در سال ۲۰۲۰ به چهارمین اقتصاد برتر جهانی تبدیل شود و درآمد سرانه کشور را ۴ برابر افزایش دهد. پیشرفت در زمینه علوم و تکنولوژی و خصوصاً دانش های جدید در حوزه II از مشخصه های بارز جهت گیری های اقتصادی است و کم شدن سهم بخش کشاورزی از ۵۶ درصد از اشتغال کنونی به ۴۰ درصد از پیامدهای این تحول اقتصادی می باشد.

نیاز رشد یابنده دو کشور به انرژی، موضوع خط لوله گاز ایران را بسیار با اهمیت کرده است که در صورت احداث، نقش مهمی در همگرایی دو کشور خواهد داشت. این رشد اقتصادی که منجر به رشد قدرت کشور خواهد شد در معادلات سیاسی با کشور پاکستان باعث داشتن دست برتر سیاسی نیز خواهد شد.

بُعد نظامی

هند از زمان استقلال خود تاکنون همواره سعی در تقویت نظامی خود داشته است زیرا :
اولاً : همواره خواستار شناخته شدن به عنوان یک قدرت جهانی است.
ثانیاً : با کشور چین اختلافات متعددی داشته که به درگیری دو کشور نیز انجامیده است.
ثالثاً : با پاکستان نیز اختلافات ریشه دار و متعددی دارد که به درگیری دو کشور در سه جنگ بزرگ منجر شده است.

جمعیت بیشتر و اقتصاد قوی تر و درآمد بیشتر کشورهند باعث شده است که با ایجاد چهارمین ارتش دنیا از جهت تعداد کارکنان و ششمین ارتش از دیدگاه قدرت، فاصله زیادی با

توان نظامی پاکستان داشته باشد و این فاصله را هر روز بیشتر از گذشته می نماید. مسابقه تسلیحاتی، دو کشور را به جایی رسانیده که هر دو دارای موشک های برد بلند زمین به زمین با توان حمل کلاهک های هسته ای هستند و هر دو به جمع دارندگان تسلیحات هسته ای پیوسته اند که این مسأله معادلات نظامی بین دو کشور را دگرگون نموده و نگرانی همسایگان آنها را نیز به دنبال داشته است.

بُعد فرهنگی

با وجودی که هند و پاکستان دارای تاریخ، سرزمین و نژاد و زیست بوم مشترکی هستند، لکن عمیق ترین اختلاف بین آنها اختلاف فرهنگی است که ناشی از رشد تعصبات هندوئیسم و مقابله با اسلام است.

تفرقه افکنی انگلیس ها بین هندوها و مسلمین که در ابتدا برای شکست مسلمین بود باعث رشد جنایات و فشارهای هندوئیسم گردید و حکومت انگلیس ها را نیز مورد تهدید قرار داد، لذا این بار انگلیس ها به تحریک مسلمانان به مقابله با هندوها پرداختند و حاصل فشارهای هندو ها، و تفرقه افکنی انگلیس ها، رشد احساسات جدایی طلبانه مسلمانان در شبه قاره شد که پس از گذراندن دوران های دردناک خونین باعث استقلال شبه قاره هند از استعمار انگلیس همراه با تقسیم آن به سه قسمت هند، پاکستان شرقی و پاکستان غربی گردید.

این اختلاف فرهنگی از سویی باعث تشدید اختلاف سیاسی با پاکستان شده و از سوی دیگر باعث جلب نظر آمریکائی ها و اسرائیلی ها برای درگیر نمودن و تضعیف بیشتر پیروان اسلام توسط هندوها و همگرایی سیاسی بین احزاب ملی گرا و افراطی هندوئی مثل سازمان جهشانی هندوها، احزاب بهاراتی، جانا پارتی و بهاراتا جانا (B.J.P) با صهیونیست ها و آمریکایی ها شده است و این گرایش بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر به اوج خود رسیده است.

این مسائل نشان می دهد موضوع درگیری فرهنگی یا تمدنی در هند ریشه دار است و موضوعی است که به زودی احتمال اصلاح آن نمی رود.

بُعد سیاسی

سیاست داخلی کشور هند که ریشه های آن در بعد فرهنگی توضیح داده شد، جهت گیری همگرایی با سیاست منطقه ای پاکستان ندارد و دو کشور یکدیگر را در مشکلات داخلی متهم

به مداخله می کنند و با فرافکنی نا امنی های داخلی به سوی دیگری سعی در کنترل آن دارند و به عنوان رقیب و دشمن به یکدیگر نگاه می کند.

سیاست خارجی هند، در ابعادی که بر سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره اثر می گذارد به شکل زیر خلاصه می شود.

- در بعد جهانی و مجامع بین المللی این دو کشور رقیب یکدیگرند.

- در بعد منطقه ای در شبه قاره، هند درصدد قرار گرفتن در جایگاه رهبری منطقه ای است و پاکستان این جایگاه را بر نمی تابد.

- آمریکا به عنوان یک بازیگر جهانی و منطقه ای امروزه بیش از پاکستان به سوی هند روی آورده و به جهت اجتناب ناپذیر بودن رقابت استراتژیک با چین الزام همکاری با هند را دریافته است و به همین دلیل کفه قدرت و بازیگری پاکستان در شبه قاره سبک تر از گذشته شده است.

- چین: گرچه هند و چین در تلاشند تا اختلافات و رقابت های گذشته را کاهش دهند و تماس های رهبران دو کشور در سال های اخیر همه در همین جهت بوده است، لکن واقع شدن این دو کشور در دو عرصه جدای ژئوپولیتیکی و عدم وجود شرایط همگرایی اقتصادی بین دو کشور وداعیهی قدرت جهانی شدن هر دو، باعث خواهد شد که نوعی رقابت بین این دو همچنان باقی بماند، گرچه عرصه رقابت این دو در آینده بیشتر جنبه های سیاسی و اقتصادی خواهد داشت تا نظامی و امنیتی و به همین جهت پاکستان که روابط خوبی با چین دارد از این زمینه در تقویت سیاسی خود در شبه قاره استفاده خواهد نمود.

- اسرائیل: هند در گذشته همواره با کشورهای عربی رابطه دوستانه داشته است و به همین خاطر تا اواخر دهه هشتاد از شناسایی اسرائیل خودداری نمود، لکن در دوران اخیر و خصوصاً با رشد ملی گرایی و افراطی گری هندوئیسم، روابط دو کشور، به خاطر وجوه مشترک آن دو علیه اسلام انقلابی و همچنین بازار بزرگ هند، رو به گسترش است. (جمشیدی، ۱۳۷۹: ۱۶۲) اصلی ترین جهت همکاری هند و اسرائیل جهت ضد اسلامی و به تبع آن ضد پاکستانی است. با توجه به مطالب بالا مشخص می شود که در بعد سیاست خارجی هند نیز، عوامل عمده واگرایی با سیاست منطقه ای پاکستان مشاهده می شود که باعث تقابل سیاسی طرفین می گردد.

کشمیر

کشمیر با مساحت ۲۲۲ هزار کیلومتر مربع در قلب آسیا و در میان کشورهای هند و پاکستان و چین قرار دارد، ۸۰٪ مردم آن مسلمانند. این سرزمین به دلایل زیر از نظر دو کشور هند و پاکستان از اهمیت ژئوپولیتیک بسیار بالایی برخوردار است.

کشمیر از نظر سوق الجیشی برای دو کشور هند و پاکستان بسیار با اهمیت است. بحران کشمیر بین هند و پاکستان از یک سو و هند و چین از سوی دیگر از کهنه ترین و پرسابقه ترین مناقشات جهانی است. سه رخداد جنگ در ۱۹۴۷ و ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ موید این دیدگاه می باشد.

پنج رودخانه مهم «سند»، «جهلم»، «چناب»، «راوی»، «ساتلج» یا از کوه های کشمیر سرچشمه می گیرند و یا از آن سرزمین می گذرنند که در اقتصاد هند و پاکستان نقش چشمگیری دارند.

شاهراه ارتباطی نظامی قراقوم که در کشمیر پاکستان واقع شده اهمیت منطقه را مضاعف می کند.

ارتفاعات شمال کشمیر، به مثابه سنگر مستحکمی در دفاع از هند انگاشته می شود. خارج شدن کشمیر از کنترل هندوستان خطر افزایش حس خودمختاری و استقلال خواهی را در میان اقلیت های دینی و زبانی داخل کشور افزایش می دهد. به هر حال مسأله کشمیر اختلافی ریشه ای و عمیق بین دو کشور است که به شدت بر سیاست خارجی آنها و خصوصاً پاکستان تاثیر گذار می باشد.

آمریکا

کشورهای روسیه، چین، هند و ایران هر کدام به نحوی در عرصه های جهانی یا منطقه ای رقبای آمریکا محسوب می شوند که با توجه به پتانسیل های رشد یابنده ی کشورها و خصوصاً چین و هند، مجموع این کشورها و هر کدام از آنها به تنهایی می توانند در مسیر سلطه ی جهانی آمریکا ایجاد مانع نمایند. لذا آمریکا در مسیر تشکیل امپراتوری جهانی باید می توانست در بهترین منطقه ای که از جهت ژئوپولیتیک بر چهار کشور فوق تسلط سیاسی ایجاد می کند و از جهت ژئواستراتژیک مکانی مهم برای تسلط نظامی آمریکا می باشد، حضور پیدا کند. این منطقه قطعاً آسیای مرکزی و افغانستان است که در قلب تمام قدرت های آسیایی قرار دارد و

علاوه بر چهار کشور هند و چین و روسیه و ایران، پاکستان را نیز می‌تواند بیش از پیش کنترل نماید.

حضور آمریکا در افغانستان و آسیای مرکزی، آمریکا را به عنوان یک بازیگر منطقه ای هم وارد معاملات سیاسی و هم مناسبات تامین و توزیع انرژی در این خطه از جهان نموده و شاید بیش از همه کشورها پاکستان را تحت تاثیر قرار داده و بر سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره نیز اثرات زیادی گذاشته است. از طرفی وضع جهانی و منطقه ای و حتی داخلی پاکستان به شکلی است که نمی‌تواند اتکا به آمریکا را از دست بدهد و از سوی دیگر بسیاری از اهداف منطقه ای آمریکا در افغانستان و هندوستان و شبه قاره با منافع ملی پاکستان در تضاد است به این جهت وضع دشواری را برای سیاستگذاران پاکستانی به وجود آورده است.

کم شدن نفوذ پاکستان در افغانستان، چشم پوشی از بعضی ادعاهای ملی و کوتاه آمدن در مقابل هند، مانند عقب نشینی و رها کردن ارتفاعات کارگیل کشمیر، همکاری هسته ای آمریکا با هند و در مقابل فشار به پاکستان برای محدود شدن و متوقف شدن برنامه هسته ای و فشار آمریکا برای جلوگیری از احداث خط لوله گاز ایران به هند و پاکستان و ... آثار حضور آمریکا بر سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره است.

افغانستان

افغانستان از نظر جغرافیایی جزو شبه قاره هند محسوب نمی‌شود لکن از نظر اجتماعی و سیاسی و تاریخی همواره در تحولات شبه قاره تاثیرات زیادی داشته است لذا در تحولات شبه قاره به عنوان جزئی لاینفک از شبه قاره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیاست شبه قاره ای پاکستان و وجود تهدید بزرگ برای آن کشور یعنی هندوستان، باعث شده است پاکستان سعی در امن کردن مرزهای دیگر خود با سایر کشورها داشته و با توجه به وجود زمینه های اجتماعی و سیاسی در افغانستان تلاش نماید آن کشور را به حوزه عمق نفوذ سیاسی و نظامی خود تبدیل نماید.

تقویت طالبان که پاکستان با تمام توان به آن پرداخت (روبین، ۱۳۸۱: ۱۲) و باعث تشنج و آشفتگی روابط سیاسی آن کشور با ایران و نگرانی هندوستان و نارضایتی چین و روسیه و کشورهای آسیای میانه شد، با افراطی گری طالبان و روش های قرون وسطایی آن گروه، چهره پاکستان را خراب کرد، علاوه بر آن با حمله آمریکا به افغانستان برگ برنده سیاسی پاکستان از دستش رفت و پاکستان را در افغانستان در برابر دولتی قرار داد که دیگر وابسته به پاکستان

نیست و مستقیماً به ایالات متحده وصل است و روابط بهتری با ایران و هند دارد. لذا اگر در گذشته در سیاست شبه قاره ای خود از افغانستان تندرو استفاده کرده و پایگاهی برای تقویت مبارزین تندروی کشمیری پیدا نموده بود، اینک آن پایگاه را از دست داده و دیگر نمایندگی آمریکا را نیز در افغانستان ندارد لکن با وجود همه اینها به علت ادامه تهدیدات هند ناچار است همچنان افغانستان را مرزی امن و همراه برای خود داشته باشد.

همکاری های اقتصادی با افغانستان در دسترسی جاده ای آسیای میانه به دریای آزاد و خط لوله گاز ترکمنستان به پاکستان و هند زمینه های جدید همکاری این دو کشور است و بر سیاست شبه قاره ای پاکستان اثر گذاری دارد.

هند نیز با استفاده از فضای سیاسی جدید افغانستان سعی در نفوذ در آن کشور و غیر پاکستانی کردن حکومت آن دارد تا فشار سیاسی بیشتری بر رقیب خود پاکستان وارد نماید.

زمینه های داخلی شکل گیری سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره

پاکستان

وضع داخلی هر کشور اثر مستقیمی بر شکل گیری سیاست خارجی آن دارد و اصولاً سیاست خارجی هر کشوری برای رسیدن به اهداف و منافع ملی کشورش تلاش می نماید، به همین دلیل بررسی ابعاد مختلف کشور پاکستان و نحوه اثر گذاری آنها بر سیاست منطقه ای آن کشور در شبه قاره در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

برای رسیدن به نحوه اثر گذاری مسائل داخلی پاکستان بر سیاست منطقه ای آن کشور ابتدا شرح مختصری از وضعیت ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و سیاسی آن کشور داده خواهد شد و سپس سیاست خارجی منبعت از این واقعیت ها بر کشورهای منطقه تشریح می گردد.

بُعد فرهنگی

علت وجودی پاکستان دین مبین اسلام است (میر حیدر، ۱۳۷۱: ۶۹) و این مسأله مهم ترین شاخصه فرهنگی پاکستان است خصوصاً با توجه به سابقه درگیری های خونین زمان استقلال با هندوها و سیک های هند، این عامل برجستگی بیشتری پیدا می کند. با گسترش افراطی گری های سلفی حنفی و وهابی در کشورهای عربی و استفاده از آن توسط حکومت های گذشته پاکستان برای مقاصد خارجی، درگیری های فرقه ای در داخل کشورها نیز دامن زده شده و به بحران های اجتماعی و سیاسی منجر شده است.

سطح بی سوادی در کشور بالاست و فرهنگ قبیله ای و قومی در بسیاری از مناطق کشور قدرت دارد.

بُعد اجتماعی

ساختار اجتماعی پاکستان مرکب از چند قوم است و یکی از بحران های فعال در جامعه پاکستان بحران اجتماعی است که در سال های اخیر به اوج خود رسیده و باعث افزایش روند نظامی گری در جامعه شده است به طوری که پرویز مشرف پس از روی کار آمدن یکی از اهداف اصلی خود را پایان دادن به درگیری های فرقه ای و خلع سلاح مردم اعلام نموده، لکن پس از دو سال شکست خود را پذیرفت، در چنین شرایطی نظم، قانون و امنیت بازیچه دست همین گروه های اجتماعی است و دولت از درون خود چنان از هم گسیخته و در نزاع های داخلی و فساد فرورفته است که امید زیادی برای تغییر و اصلاح آن نیست.

بُعد اقتصادی

اقتصاد پاکستان به طور عمده کشاورزی است. عمده صادرات این کشور نیز به محصولات کشاورزی و منسوجات متکی است. تراز اقتصادی کشور معمولاً منفی است و بین رشد اقتصادی و رشد تورم و نقدینگی رابطه مناسبی وجود ندارد، وابستگی به وام های خارجی و عدم توان بازپرداخت به موقع آنها تأثیرات منفی مضاعفی بر اقتصاد کشور گذاشته است. عدم ثبات دولت ها و کشمکش های سیاسی احزاب و گروه های مخالف دولت از موانع جدی توسعه اقتصادی کشور است. صرف شدن توان و وقت و امکانات کشور در درگیری های سیاسی و حزبی و ناتوانی در ایجاد نظم و آرامش زمینه افزایش سرمایه گذاری های داخلی و خارجی را کاهش داده است. علاوه بر اینها بار سنگین هزینه های نظامی که ۴۰٪ بودجه عمومی دولت را دربرمی گیرد عامل دیگری در عدم توان اقتصادی دولت شده است.

توسعه بندر گوآتر و راه دسترسی به آسیای میانه از افغانستان و فعالیت مجدد خط لوله گاز ترکمنستان به پاکستان سایر دست آورد های این تصمیم بود. از نظر انرژی، پاکستان منابع چندانی در اختیار ندارد و لذا به خط لوله گاز ایران بسیار نیازمند می باشد.

نیاز کشاورزی پاکستان به آب، آن کشور را نیازمند شدید آب رودهای ۵ گانه ای نموده که از ارتفاعات کشمیر سرچشمه می گیرند و کمبود آب یکی از چالش های اصلی آینده و محل منازعه بیشتر آن کشور با هند خواهد بود.

جمعیت زیاد و سرمایه انسانی فراوان و مشکل بیکاری، عده زیادی از پاکستانی‌ها را در جستجوی کار به خارج از کشور کوچ داده است که این روند نیز ادامه خواهد داشت.

بُعد نظامی - امنیتی

پاکستان از زمان استقلال تاکنون شاهد سه دوره حاکمیت نظامیان در سال‌های (۱۹۵۸، ۱۹۷۷، ۱۹۹۹) بوده است درگیری‌های قومی، فرقه‌گرایی مذهبی و اختلافات سیاسی احزاب در هر سه دوره دلیل کودتای ارتش عنوان شده است. (بصیری، ۱۳۸۰: ۱۵۵)

نظامی‌گری بارزترین وجه و قوی‌ترین نهاد حکومتی پاکستان است که محصول ضعف نهادهای دیگر داخلی و ناآرامی‌های قومی است و تهدید و رقابت با هند و درگیری‌های کشمیر و افغانستان نیز عمده دلایل خارجی آن می‌باشد. به همین دلایل قدرت داشتن نظامیان از دید مردم پاکستان امری پذیرفته شده بوده و توان موشکی و هسته‌ای شدن آن کشور به عنوان دستیابی به یکی از بزرگترین اهداف ملی بروز نموده و با محدودیت‌هایی که آمریکا در صادرات اسلحه به پاکستان ایجاد کرد، صنایع نظامی آن کشور با کمک چین رشد قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است. از نظر امنیتی چنانچه قبلاً توضیح داده شد تقویت عناصر افراطی مذهبی از سوی حکومت، برای به دست گرفتن کنترل افغانستان آثار داخلی بسیار مخرب برای پاکستان داشته و رشد فرقه‌گرایی و کشتارهای مذهبی و مسلح شدن مردم و قبایل به سلاح و نفوذ این دسته‌جات در دستگاه‌های دولتی و قضایی و امنیتی، وضع ناامنی را در آن کشور ایجاد نموده است.

بُعد سیاسی

پاکستان از ابتدای استقلال در معرض تهدید هند قرار دارد. لذا سیاست خارجی این کشور در راستای یافتن محتوایی در جهت حمایت و دفاع از خود شکل گرفته است و محوری‌ترین مسأله در سیاست خارجی پاکستان چگونگی روابط با هند است و بر مبنای آن، روابط با سایر کشورها تعیین می‌گردد. روابط پاکستان با آمریکا از دیگر ویژگی‌هایی است که در تمام دوران‌ها و شرایط به ناچار آنرا حفظ کرده است. معذالک چرخش استراتژیک سیاست آمریکا در شبه قاره به سوی تقویت روابط با هند موجب گسترش همه‌جانبه روابط پاکستان با چین شده است.

مولفه های اصلی سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره

وضعیت داخلی پاکستان که با نگاه ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک و ژئوکالچر مورد بررسی قرار گرفت آثار خود را در سیاست خارجی کشور به شکل رفتار های سیاسی به خصوصی نمایان می سازد که در زیر، نتایج آن به شکل خلاصه درباره کشورهای شبه قاره شرح داده می شود.

هند

بُعد فرهنگی

تقابل فرهنگی و دینی جزء لاینفک سیاست خارجی پاکستان با هند بوده و بعد فرهنگی یکی از عوامل واگرایی قوی سیاسی بین دو کشور می باشد.

بُعد اجتماعی

عوامل تشکیل دهنده بعد اجتماعی در روابط هند و پاکستان تاثیر زیادی ندارند. لکن آنچه هست به دلیل نژادی و جغرافیایی مشترک مردم دو کشور، به طور نسبی در همگرایی بین دو کشور اثر گذار می باشد.

بُعد نظامی، امنیتی

تا زمانی که دو کشور تهدید امنیتی برای یکدیگر هستند، از نظر نظامی و امنیتی در تقابل با یکدیگر بوده و از این نظر، ساخت روابط سیاسی، عامل واگرایی می باشد.

بُعد اقتصادی

گرچه روابط اقتصادی دو کشور چندان گسترده نیست، لکن ژئوپولیتیک انرژی در منطقه باعث نیاز این دو کشور به یکدیگر بوده و در آینده که نیاز پاکستان به آب و نیاز هندوستان به گاز و نفت بیش از امروز خواهد شد و در مواقع غیر بحرانی، بعد اقتصادی باعث همگرایی دو کشور می باشد.

(در مواقع بحرانی این دو موضوع می تواند حربه امنیتی قوی ای برای هر یک علیه دیگری باشد.)

بُعد سیاسی

عوامل داخلی اثر گذار بر شکل گیری سیاست خارجی پاکستان در مورد هند باعث تشدید خصومت در روابط دو کشور بوده و بیشتر تقویت کننده واگرایی بین دو کشور می باشند.

عوامل خارجی اثر گذار بر شکل گیری سیاست خارجی پاکستان در مورد هند (به طور عمده کشور آمریکا) در صدد کاهش تنش بین هند و پاکستان بوده و تقویت کننده‌ی روند رفع تنش و یا همگرایی سیاسی بین دو کشور می باشند.

کشمیر

بُعد فرهنگی

سیاست خارجی پاکستان تقویت تمایلات دینی و آزادی خواهی بین این کشور و مردم کشمیر می باشد و نوعی همگرایی را تقویت می نماید.

بُعد اجتماعی

استفاده و تقویت اشتراکات نژادی، جغرافیایی و رسوم اجتماعی بین مردم پاکستان و کشمیر توسط سیاستمداران پاکستانی همگرایی دو طرف را تقویت می کند.

بُعد اقتصادی

زمینه چندان برای فعالیت اقتصادی در میان مدت بین پاکستان و کشمیر وجود ندارد لذا بعد اقتصادی جایگاه مهمی در سیاست خارجی پاکستان با کشمیر ندارد.

بُعد نظامی

حضور و تقویت قدرت نظامی و امنیتی پاکستان در موضوع کشمیر، مسأله بسیار مهم و کلیدی در سیاست خارجی پاکستان می باشد.

بعد سیاسی

اولاً: سیاست پاکستان بین المللی کردن مسأله کشمیر است. ثانیاً: تا مرز آزاد شدن کشمیر از هند، با مردم کشمیر همراه است، لکن در قبول کردن خواست نهایی مردم کشمیر، برای تعیین سرنوشت خود، چندان همراهی نکرده و خواستار پیوستن کشمیر به پاکستان است.

ثالثاً: از موضوع کشمیر برای رفع بحران های سیاسی داخلی خود استفاده می نماید.

آمریکا

با توجه به واقعیات جدید ژئوپولیتیکی که در اثر حضور مستقیم نظامی امریکا در منطقه ایجاد شده و اهداف ژئواکونومیکی آن کشور در حوزه انرژی دریای خزر و شبه قاره و

وابستگی عمیق پاکستان به امریکا و جایگزین نشدن هیچ نیرو و قدرتی به جای امریکا در سیاست داخلی و خارجی پاکستان، وضع سیاست منطقه ای پاکستان نسبت به امریکا در ابعاد پنج گانه به شرح زیر خواهد بود.

بُعد فرهنگی

با وجود نقش موثر پاکستان در ایجاد گروه های تندرو مذهبی و عدم توانائی در کنترل نفوذ آنان در حوزه های علمیه و موضع گیری های ضد دولتی در پاکستان، آن کشور به ناچار خود را با سیاست های فرهنگی امریکا در منطقه همراه خواهد نمود و مسیر همگرایی را در پیش خواهد گرفت.

بُعد اجتماعی

این بعد جایگاه چندان مهمی در شکل دهی سیاست منطقه ای پاکستان در رابطه با امریکا در منطقه شبه قاره ندارد.

بُعد اقتصادی

پاکستان از شرکای اصلی امریکا در تحولات اقتصادی یعنی نشستن به جای ایران در ترانزیت کالا به آسیای میانه و انتقال نفت و گاز خزر به منطقه شبه قاره است. بنابراین پاکستان همگرایی زیادی در این بعد با امریکا خواهد داشت.

بُعد نظامی، امنیتی

در این بعد پاکستان با تحمل سختی در تغییر مشی گذشته و با وجود مشکلات فراوانی که به دلیل نفوذ عناصر تندرو در ارتش و دستگاه اطلاعاتی آن (ISI) خواهد داشت، لکن ناچار به همگرایی با اهداف نظامی امنیتی امریکا در منطقه است.

بُعد سیاسی

وابستگی عمیق پاکستان به امریکا باعث می شود که آن کشور در بعد سیاسی نیز مسیر همگرایی با اهداف امریکا در منطقه را در پیش بگیرد.

افغانستان

سیاست منطقه ای پاکستان درباره افغانستان به طور خلاصه به شکل زیر خواهد بود.

بُعد فرهنگی

فعالاً پاکستان سیاست مشخصی ندارد و تا آینده میان مدت دچار سردرگمی خواهد بود.

بُعد اجتماعی

پاکستان همچنان بر تقویت رابطه با قوم پشتون ادامه خواهد داد. و به تبع آن با اقوام دیگر خصوصاً تاجیک ها و هزاره ها روابط خوبی نخواهد داشت.

بُعد اقتصادی

به قوی ترین بعد سیاست خارجی پاکستان با افغانستان تبدیل خواهد شد و در حوزه های بازار های داخلی افغانستان، و راه زمینی اتصال آسیای میانه به دریای آزاد و انتقال انرژی حوزه خزر به شبه قاره همکاری استراتژیکی بین دو کشور برقرار خواهد شد.

بُعد نظامی

با وجود حضور امریکا در افغانستان نقش قوی گذشته پاکستان کم رنگ شده است، لکن پاکستان سعی خواهد کرد حتی الامکان ارتباط نظامی خود را با هدف دوستی نظامی با افغانستان برقرار نماید.

بُعد سیاسی

طبیعت غرب گرای دولت آینده افغانستان و وابستگی شدید پاکستان به امریکا و نیازهای اقتصادی پاکستان به افغانستان و هم چنین گرایش های تقویت دوستی در حوزه نظامی، تلاش در جهت همگرایی را در حوزه سیاسی ایجاب می نماید. گرچه سوء ظن افغانستان به مداخله گری پاکستان در امور داخلی خود و نگرانی پاکستان از موضع دولت افغانستان در زنده کردن بحث پشتونستان آزاد سایه سنگینی را بر تلاش های همگرایانه سیاسی دو کشور می اندازد.

سایر کشورها در شبه قاره

بعد از هند و پاکستان، مهمترین کشورهای منطقه شبه قاره، بنگلادش و سری لانکا هستند، لکن هم از دیدگاه ژئوپولیتیکی، هم ژئواکونومیک و هم ژئوکالچر، تعامل زیادی با پاکستان ندارند و سیاست های پاکستان در ارتباط با آنها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیر چندانی ندارد.

ایران و پاکستان

در فصول گذشته سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره که متغیر مستقل این تحقیق بود شناسایی شد اینک باید تاثیر آن بر امنیت ملی ایران (به عنوان متغیر وابسته) بررسی گردد. برای این منظور دو موضوع باید بررسی شود.

اول - اهمیت و وزن پاکستان در اثر گذاری بر امنیت ملی ایران

دوم - ابعادی از امنیت ملی ایران که از تحولات پاکستان تحت تاثیر قرار می‌گیرند. زیرا سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره یکی از زیر بخش های کل کشور پاکستان است و امنیت ملی ایران در رابطه با پاکستان نیز یکی از زیر بخش های امنیت ملی ایران، بنابراین روشن نمودن وزن و اهمیت هر کدام از این زیر بخش ها ما را در قضاوت نهایی در مورد میزان اثر گذاری کمک می‌کند.

درباره سؤال اول باید گفت: ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی خود با شش حوزه ژئوپولیتیکی اطراف خود مرتبط است.

- ۱- حوزه قفقاز و آناتولی: (ایران، ارمنستان، گرجستان، روسیه)؛
- ۲- حوزه دریای خزر: (ایران، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان)؛
- ۳- حوزه فلات ایران: (ایران، پاکستان، افغانستان)؛
- ۴- حوزه آسیای مرکزی: (همسایگی ایران با ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان)؛

- ۵- حوزه دریای عمان و اقیانوس هند: (ایران، پاکستان، هند، عمان، امارات متحده عربی)؛
- ۶- حوزه خلیج فارس: (ایران، عراق، کویت، عربستان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، عمان)؛

از میان شش حوزه فوق الذکر حوزه های جنوبی و شمالی ایران از درجه اهمیت بسیار بالاتری برخوردارند و سایر حوزه ها منجمله حوزه های فلات ایران و دریای عمان و اقیانوس هند، خصوصاً با توجه به وضع جغرافیایی شرق ایران و وجود مناطق کویری مسائل بین مراکز مهم سیاسی و اقتصادی کشور با مرزهای شرقی و قلت اختلافات ارضی و مرزی در آن بخش، از اهمیت پائین تری برخوردارند.

درباره سؤال دوم: ابعاد اصلی امنیت ملی ایران در رابطه با پاکستان در این بخش با توجه به شناخت محیط امنیتی در منطقه که شرح داده شد، آن دسته از ابعادی که در رابطه با سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره تحت تاثیر قرار می‌گیرد به صورت نقاط قوت و ضعف به شرح زیر مورد شناسایی قرار گرفته اند.

بُعد سیاسی

در بررسی محیط ملی به نظر می‌رسد نقاط قوت و ضعف زیر که مورد تایید خبرگان جامعه آماری قرار گرفته تاثیرپذیری بیشتری از جریانات سیاسی پاکستان دارند

نقاط قوت

- موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران .
- نفوذ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران .
- نقش موثر در حل بحران های منطقه ای.

نقاط ضعف

- اختلافات ایدئولوژیک با همسایگان
- تمرکز اقلیت های قومی در حاشیه مرزها و تاثیر پذیری آنان از جریانات فرامرزی
- وجود اختلافات تاریخی میان شیعه و سنی

بُعد اقتصادی

در این بعد نیز قوت و ضعف های محیط ملی در رابطه با پاکستان که اثرپذیری بیشتری دارند عبارتند از:

نقاط قوت

- وجود منابع عظیم نفت و گاز و معادن غنی فلزی و غیر فلزی
- موقعیت ژئوپولیتیک استثنایی بین دو قطب بزرگ انرژی جهان (حوزه خلیج فارس و حوزه ی حزر) و ارتباط با شش حوزه ژئوپولیتیک اطراف خود.
- داشتن مزیت در تولید محصولات کم نظیر مانند فرش دستباف، خاویار، پسته، زعفران و..

نقاط ضعف

در بین نقاط ضعف اقتصادی محیط ملی هیچ کدام از ابعاد شناسایی شده به شکل موثری به تغییرات سیاست خارجی اقتصادی پاکستان واکنش نشان نمی دهند.

بُعد فرهنگی - اجتماعی

از بین شش نقطه ی قوت و بازده نقطه ضعف ابعاد فرهنگی - اجتماعی مکسوفه در محیط ملی، ابعاد زیر تاثیر پذیرترین آنها در رابطه با پاکستان می باشند.

نقاط قوت

- عمق فرهنگی و قوی بودن باورهای دینی و شیعی در جامعه ی ایرانی .

نقاط ضعف

- وجود اقوام با گویش و مذاهب متفاوت در تمام مناطق مرزی کشور که می توانند با مرکز گریزی به نقاط نفوذ خارجی تبدیل شوند.

بُعد نظامی

از میان چهار نقطه قوت و هشت نقطه ضعف برشمرده شده، ابعاد زیر مهمترین موارد متأثر از حرکات و سیاست های نظامی پاکستان می باشند.

نقاط قوت

در میان نقاط قوت، موردی که تأثیر قابل توجهی از سیاست های نظامی پاکستان بپذیرد وجود ندارد.

نقاط ضعف

- عدم عضویت ایران در پیمان های دفاعی - امنیتی منطقه ای و جهانی .
- ضعف در مقابل سلاح های نوین قدرت های فرا منطقه ای .
- به این ترتیب متغیرهای وابسته این تحقیق مورد شناسایی قرار گرفتند.

□ تجزیه و تحلیل یافته ها و ارزیابی فرضیه های تحقیق

در بخش های قبلی متغیر مستقل تحقیق یعنی سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره مورد شناسایی قرار گرفت و سپس متغیرهای وابسته تحقیق یعنی ابعادی از امنیت ملی ایران که از متغیر مستقل تأثیر می پذیرند شناسایی شدند. اینک چگونگی تأثیر این دو متغیر بر هم باید مورد بررسی قرار گیرد که برای این کار فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن چگونگی اثرگذاری این دو متغیر را مشخص می نماید.

بررسی فرضیات تحقیق

فرضیه اول :

«سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره اثر مستقیمی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

دارد.»

عوامل سیاسی

- موقعیت ژئوپولیتیک ایران که فعلاً معبر اصلی ترانزیت کالا به کشورهای آسیای میانه و انتقال انرژی به جنوب است، با همگرایی پاکستان و امریکا و همراه شدن افغانستان درحال تضعیف می باشد.

- نفوذ استراتژیک ایران در اثر موضوع بالا در منطقه شرق و شمال شرقی ایران در حال کاهش است.

- نقش مؤثر ایران در حل بحران های منطقه ای که باعث نفوذ سیاسی ایران می شد در بحران هایی که پاکستان در آنها درگیر بوده یعنی افغانستان، کشمیر و هند، با حضور امریکا در منطقه و گرایش پاکستان به آن کشور در حال کاهش است.

- تلاش پاکستان برای به قدرت رسانیدن پشتون های افراطی و سلفی حنفی یا وهابی، ضمن این که منافع ملی ایران در افغانستان را تحت تأثیر قرار می دهد. بر اقوام سنی مرزنشین ایرانی نیز اثر مرکزگریزی دارد.

عوامل اقتصادی

- فعالیت های اقتصادی پاکستان در رابطه با افغانستان و آسیای مرکزی، به طور مشخص، ساختن بندرگوادر و راه زمینی ارتباط آن به افغانستان و آسیای میانه و ساخت پروژه ترانس افغان برای انتقال گاز و سپس نفت ترکمنستان به شبه قاره، مزیت اقتصادی معبر ایران را کم ارزش نموده و مزیت ژئواکونومیک ایران را مورد آسیب قرار می دهد.

عوامل فرهنگی - اجتماعی

- تقویت افراطی گری دینی در پاکستان که به منظور کسب حمایت مردمی در مقابله با هند و در مبارزات کشمیر و نفوذ در افغانستان توسط دولت انجام می شود. علاوه بر تأثیرگذاری روی اقوام سنی مرزنشین ایرانی به منافع ملی ایران در افغانستان نیز لطمه می زند و هم چنین باعث آزار بیش از پیش شیعیان پاکستان می شود که ایران باید از آنها حمایت نماید. و نقش برجسته ژئوپولیتیکی فرهنگی تاریخی ایرانی را در منطقه، مورد آسیب قرار می دهد.

عوامل نظامی

ادامه اختلاف با هند و درگیر بودن در مبارزات مردم کشمیر و گرایش نفوذ نظامی در افغانستان همه باعث تقویت بیش از پیش قدرت نظامی در پاکستان می شود که با توجه به گرایش امریکایی سیاسی در پاکستان و همگرایی با سیاست منطقه ای امریکا در منطقه، افزایش قدرت تهدید احتمالی را باعث می شود.

هم چنین مقابله نظامی با هند به طور خاص باعث تقویت قدرت هسته ای پاکستان خواهد شد که خواه ناخواه توازن نظامی بین آن کشور و ایران را تحت الشعاع قرار داده و آن کشور از موقعیت برتری برخوردار شده و از نظر ژئواستراتژی وضعیت نابرابری را برای ایران ایجاد می نماید.

روابط دو جانبه

سه عامل مهم و پایدار در روابط دو کشور یعنی:

الف: جهات کاملاً متفاوت تهدید اصلی

ب: گسستگی فضای سرزمینی

ج: نداشتن تعارض طبیعی ژئوپولیتیکی

باعث شده که ایران و پاکستان هیچ گاه تهدیدی استراتژیک علیه یکدیگر نبوده اند. (کریمی

پور، ۱۳۷۹: ۱۶۲)

□ ارزیابی فرضیه

با وجودی که در روابط دو جانبه منبع تششی که امنیت ملی ایران را هدف گرفته باشد وجود ندارد، لکن سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره و خصوصاً افغانستان، تمام جهات مختلف امنیت ملی ایران را در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی تحت تأثیر قرار داده است.

بنابراین فرضیه اول تأیید می گردد.

فرضیه دوم

«اختلاف سیاسی هند و پاکستان و در نتیجه اوج گیری رقابت تسلیحاتی بین دو کشور به

ضرر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران است.»

قسمت اول فرضیه یعنی جمله ای «اختلافات سیاسی هند و پاکستان و در نتیجه اوج گیری رقابت تسلیحاتی» موضوعی روشن است و قبلاً به اندازه ی کافی و به شکل مبسوطی در مورد آن نوشته شد و بدیهی است که تا اختلافات سیاسی فعلی بین دو کشور که موجودیت و امنیت ملی یکدیگر را هدف گرفته، باقی است طرفین و خصوصاً پاکستان که نگران موجودیت کشور خود است برای دفاع از خود تلاش نماید قدرت نظامی کشورش را افزایش دهد تا بتواند در مقابل تهدید طرف مقابل از امنیت خود دفاع نماید و دستیابی به سلاح هسته ای محصول

همین نگرانی است و این تهدید آنقدر عمیق است که مردم پاکستان با وجود اقتصاد ضعیف و درآمد کم، اعتراضی به هزینه های بالای نظامی خود ندارند و آن را برای بقای کشورشان لازم می‌دانند. بنابراین تا این اختلافات باقی است رقابت تسلیحاتی نیز تداوم خواهد داشت.

سؤال این است که آیا قدرت نظامی فزاینده پاکستان باید موجب نگرانی و احساس تهدید در ایران بشود یا خیر؟ پاسخ این است که اگر دو کشور از نظر ژئواستراتژیک در وضعیت قبل از انقلاب به سر می‌بردند و هر دو در یک بلوک نظامی هم پیمان بودند، افزایش قدرت نظامی هر کدام برای دیگری نه تنها تهدید نبود بلکه فرصت بود، چنان که در دو جنگ هند و پاکستان توان نظامی ایران به کمک پاکستان به کارگرفته شد. و ایران نیز هیچ گاه گله‌ای از تقویت نظامی پاکستان نداشت. لکن امروزه وضع متفاوت است. با تشریح و تحلیل وضعیت سیاسی و اقتصادی مشخص شد که ایران و پاکستان در حوزه افغانستان رقبای جدی و اصلی یکدیگرند، در حوزه اقتصادی اقدامات پاکستان به مزیت های ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ایران لطمه وارد می‌آورد و از همه مهم تر با حضور امریکا در منطقه سیاست نظامی پاکستان بیش از گذشته با سیاست های منطقه ای امریکا همگرایی دارد. و هر سه این موضوعات، در تقابل با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. طبعاً قدرت نظامی هر کشوری نیز برای پشتیبانی از اهداف سیاسی، اقتصادی فرهنگی، اجتماعی آن کشور ایجاد شده و در جهت منافع ملی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد که در وضع فعلی ایران و پاکستان در ابعاد سیاسی و اقتصادی و در حوزه افغانستان و آسیای میانه دارای تقابل منافع می‌باشند. بنابراین هر چه نیروهای مسلح پاکستان قوی تر باشند در تقویت آن کشور در مقابل ایران نقش بیشتری بازی خواهند کرد و این به ضرر جمهوری اسلامی ایران است.

فرضیه سوم

« اگر ایران نتواند به سیاست منطقه ای هماهنگ در رابطه با افغانستان دست پیدا کند روابط دوستانه ایران و پاکستان دچار آسیب خواهد شد.»

در تحلیل های انجام شده مشخص شد که ایران هم از بعد ژئوپولیتیک و هم ژئواکونومیک و هم ژئوکالچری، از سیاست های پاکستان در افغانستان ضربه دیده است و این موضوع از نظر ژئوپولیتیک و ژئوکالچر در زمان حکومت طالبان که اوج نفوذ پاکستان در افغانستان بود به حداکثر خود رسید، اهداف ژئواکونومیک پاکستان در همان زمان نیز، جایگزین شدن به جای ایران در مزیت معبری برای آسیای میانه از طریق افغانستان بود، لکن به علت

جنگ و ناامنی توفیق چندانی به دست نیاورد. لکن در حال حاضر که با حضور امریکا در افغانستان، جنگ گسترده خانگی رو به پایان گذاشته است، این هدف پاکستان نیز در حال تأمین است.

علی هذا فرضیه سوم نیز تأیید می‌گردد.

□ نتایج تحقیق

دگرگونی‌های ایجاد شده در ژئوپولیتیک جهانی پس از جنگ سرد و تغییرات مضاعف ژئوپولیتیکی در منطقه شبه قاره پس از وقایع ۱۱ سپتامبر، روابط پاکستان با ایران را از شکل کاملاً دوستانه و امن سابق متحول نموده و وضع جدیدی از دوستی و رقابت را ایجاد نموده است.

حوزه ای که پاکستان نسبت به آن حوزه بسیار حساس می باشد افغانستان است، افغانستان از یک سو می تواند تهدیدی برای یکپارچگی و وحدت سیاسی پاکستان باشد و زنده بودن موضوع پشتونستان نزد افغان ها همواره سیاستمداران پاکستانی را برای مقابله با آن برانگیخته و از سوی دیگر به علت وجود تهدید بزرگ و اصلی پاکستان یعنی هند، پاکستانی‌ها در طول نیم قرن تاریخ تشکیل کشور خود سعی داشته اند نه تنها این تهدید را از مرزهای شمالی خود برطرف نمایند بلکه آن‌را به مرزی امن تبدیل کنند تا به این وسیله توان بازدارندگی خود را در مقابل قدرت برتر نظامی هند به صورت یکپارچه نگه داشته و از وجود دو منبع تهدید پرهیز نمایند.

با این نیت و رویکرد در طول زمان‌های گذشته و حال، سیاست پاکستان در مقابل افغانستان شکل گرفته است. لذا با وجودی که افغانستان از نظر جغرافیایی جزئی از شبه قاره نیست لکن بخش جدایی ناپذیر از ژئوپولیتیک منطقه بوده و خواهد بود.

پاکستان در این راه از دو فرصت بزرگ بهره جسته است، اول زمینه سیاسی آماده ای که با همراهی با امریکا در منطقه شبه قاره و افغانستان برای خود ایجاد کرده و کشورهای آسیای میانه نیز با تشویق های امریکا به این سوی گرایش دارند. دوم بی توجهی و مدیریت ضعیف بخش حمل و نقل و قوانین گمرکی داخلی ایران، که با وجود این همه زمینه و سرمایه و زیرساخت، آن قدر تعلل می نمایند که مزیت بزرگ ژئواکونومیکی خود را از دست می دهند. به هر حال اکنون پاکستان با استفاده از فرصت امریکا و همگرایی با آن کشور در حال تقلیل

نفوذ ژئوپولیتیک ایران در ناحیه شرقی و شمال شرقی است. و منافع ژئواکونومیک ایران در این منطقه را هدف قرار داده و خود را در آن شریک و بلکه رقیب نموده، و با تقویت پشتون‌ها نفوذ تاریخی و فرهنگ ایرانی و زبان فارسی را در افغانستان تحت تأثیر قرار داده و در صحنه ژئوپولیتیک فرهنگی نیز به مقابله با ایران پرداخته است.

در کنار تمام مطالب بالا که نشان از وجود تهدید یا فشار از سوی پاکستان نسبت به امنیت ملی ایران است، برای درک شدت تهدید و میزان اثرگذاری آن بر امنیت ملی ایران ذکر دو نکته ضروری است.

نکته اول

با کنارگذاشتن رقابت سیاسی، اقتصادی دو کشور ایران و پاکستان در حوزه‌ی افغانستان، و با نگاه به روابط دو جانبه باید گفت که ایران و پاکستان هیچ‌گاه تهدیدی استراتژیک علیه یکدیگر نبوده‌اند، جهات کاملاً متفاوت تهدید اصلی، گسستگی فضای سرزمینی و نداشتن تعارض طبیعی ژئوپولیتیک، سه عامل مهم و پایدار در ایجاد چنین نقش تاریخی است. موارد آزار دهنده‌ای مثل فشارهای فرهنگی و تروریستی علیه شیعیان پاکستان و اثرگذاری بر اقوام مرزنشین ایران نیز با وجود ایجاد مزاحمت در روابط دو جانبه، لکن عامل برهم‌زننده عوامل پایدار قبلی نیستند.

نکته دوم

در میان شش حوزه ژئوپولیتیکی اطراف ایران، تقابل سیاسی و اقتصادی ایران و پاکستان بر حوزه ژئوپولیتیکی شمال شرقی و تا حدی شرقی اثر می‌گذارد، ولی در عین اهمیت، نسبت به دو حوزه جنوبی و شمالی در درجه دوم اهمیت قرار دارند. بنابراین پاکستان یک تهدید حیاتی برای موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران و تمامیت ارضی کشور نیست، بلکه ابعدی از منافع ملی و در نتیجه امنیت ملی ایران را تحت فشار یا تهدید قرار می‌دهد.

□ پیشنهادات

۱- کاهش تنش بین دو کشور هند و پاکستان به نفع ایران است و برای تثبیت این وضع و ایجاد منافع مشترک، باید برای احداث خط لوله‌ گاز ایران به هندوستان از طریق پاکستان تلاش بیشتری صورت گیرد.

- ۲- سعی در اتخاذ سیاست های منطقه ای یک دست در حوزه افغانستان و شبه قاره با بازیگران اصلی قدرت در آن مناطق، منافع ملی ایران را در پی دارد و جلوی از دست دادن بیشتر مزیت های ژئوپولیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری ایران را می گیرد.
- ۳- اختلافات ایران و پاکستان در حوزه افغانستان باید در همان منطقه محفوظ بماند و از تسری اختلافات به مرزهای مشترک دو کشور و رقابت مستقیم نظامی جلوگیری گردد.
- ۴- تسریع در تجهیز بندر چابهار و احداث راه های زمینی و تسهیل مقررات گمرکی و دسترسی آسان کشورهای آسیای میانه به چاه بهار، برای حفظ موقعیت و مزیت ژئوپولیتیکی ایران بسیار مهم است.
- ۵- اختصاص دادن یک بندر جداگانه برای هر یک از کشورهای آسیای میانه در آب های خلیج فارس توان رقابت بندر گوادر را بسیار تنزل داده و جایگاه ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ایران را بسیار تقویت می نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

□ منابع و مآخذ

- ۱- بصیری، محمد علی، مقاله‌ی چیستی و چرایی نظامی گری در پاکستان، مجله‌ی راهبرد مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، تهران ۱۳۸۰، شماره ۱۹
- ۲- بی نام، کتاب سبز پاکستان، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰
- ۳- جمشیدی، محمد تقی، ملی‌گرایی هند، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹
- ۴- دهمشگی، جلال و همکاران، کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا، استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه و انتشارات موسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱
- ۵- رضوی، سید سجاد، بحران کشمیر، انتشارات کیهان، ۱۳۶۷
- ۶- روبین، مایکل، مقاله‌ی چه کسی مسؤل شکل‌گیری طالبان است، ترجمه و انتشار مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، گزارش تحلیلی شماره‌ی ۱۴، اردیبهشت ۱۳۸۱
- ۷- سجادی‌پور، سید محمد کاظم، مقاله جهانی شدن و امنیت خارجی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹
- ۸- سریع‌القلم، محمود، روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، نشر فرزانه، چاپ دوم، ۱۳۸۱
- ۹- شیخ عطار، علیرضا، دین و سیاست در مورد هند، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱
- ۱۰- عزتی، عزت‌الله، ژئوپولیتیک در قرن ۲۱، انتشارات سمت، ۱۳۸۰
- ۱۱- کاظمی، سید علی اصغر، نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل، نشر قوس، ۱۳۷۰
- ۱۲- کریمی پور، یدالله، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگانیش (منابع تنش و تهدید)، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۹
- ۱۳- گلد، دانیل، هندوئیسم سازمان یافته از حقایق و جدایی تاملت هندو، ترجمه فرهنگ رجایی، انتشارات هرمس، ۱۳۷۸
- ۱۴- ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه و نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ۱۳۷۷
- ۱۵- میر حیدر، دره، مبانی جغرافیای سیاسی، سمت ۱۳۷۱



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی